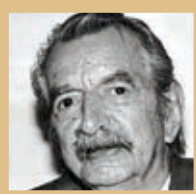
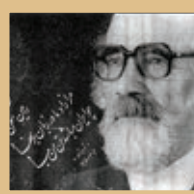




عشرت قهرمان



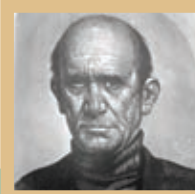
عماد خراسانی



جواد غلامپور



ذبیح ا... صاحبکار



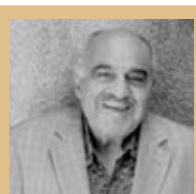
احمد کمالپور



احمد گلچین معانی



غلامرضا شکوهی



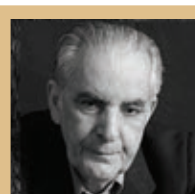
علی باقرزاده



زهر اوحدتی احمدزاده



احمد شهناراد



محمد قهرمان



غلامرضا صدیق غرب

نگاهی به زندگی نامه ۱۲ شاعر خفته در آرامگاه شاعران خراسان در طوس

هم قافیه با قافله شاعران

عشرت قهرمان (خواهر محمد قهرمان) سال ۱۳۰۵ شمسی در ولایت زاوه (تربت حیدریه) در خانواده ای مرفه از تبار قاجار به دنیا آمد. پدر وی خوش آواز بود. مادرش هم به خوبی تار می نواخت. عشرت، مادر و پدر خود را به ترتیب در سنین هشت و دوازده سالگی از دست داد. او تا سوم متوسطه تحصیل کرد و بعد از درگذشت پدر، تن به ازدواجی ناموفق داد. عشرت در سن بالا ذوق شاعری یافت. وی از همان سال اول روی آوردن به شاعری هر چه سرود و نوشت، پی در پی با هزینه شخصی خود به چاپ رساند. عشرت قهرمان در روز سیزدهم اردیبهشت ۱۳۸۴ دار فانی را وداع گفت.

غلامرضا صدیق غرب (۱۳۰۵-۱۳۸۸)

غلامرضا صدیق غرب، متولد ششم بهمن ۱۳۰۵ است. او در دوران دبستان به فراگرفتن قرآن مجید و دیوان حافظ نزد مادر باسواد خود پرداخت. صدیق علاوه بر تألیف کتاب در شعر سرایی نیز هنرمند بود و جلسات شعر هفتگی داشت. این جلسات، غروب روزهای سه شنبه در منزلش تشکیل می شد و دوستان او از هر قشر و صنفی در آن حاضر می شدند و شعر می خواندند. وی در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۸ درگذشت.

محمد قهرمان (۱۳۰۸-۱۳۹۲)

بنی باقرقتن آرامستان شعرای خراسان محمد قهرمان را می توان بانی اصلی ایجاد آرامگاه شاعران خراسان دانست. او به عنوان میدان دار و به نمایندگی از دیگر شاعران، بانوشتن نامه ای شعرگونه به مقام معظم رهبری، در خواست شاعران را پیگیری کرد. محمد قهرمان در دهم تیر ۱۳۰۸ در روستای امیرآباد، واقع در هشت کیلومتری جنوب تربت حیدریه متولد شد. پس از فوت مادر و پدر، خواهر بزرگش سرپرستی او را به عهده گرفت. قهرمان در سال پنجم دبیرستان با مهدی اخوان ثالث هم کلاس شد و این دوستی ادامه یافت. او در دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ادامه تحصیل داد. اما هرگز به دنبال کار حقوقی نرفت و فقط به شعر پرداخت. از سال ۱۳۳۹ در منزل شخصی اش، انجمن ادبی به صورت هفتگی برگزار می شده است. این شاعر بزرگ، ۲۸ اردیبهشت ۹۲ در آرامگاهی که خود بانی دایر شدن آن بود، آرام گرفت.

احمد شهناراد (۱۲۹۷-۱۳۹۴)

پیکرش را از تهران به طوس آوردند احمد شهناراد متولد سال ۱۲۹۷ در مشهد است. به گفته مرحوم مادرش، در سال قیام «کلنل محمدتقی خان پسیان» (۱۳۰۰) متولد شد ولی در شناسنامه اش که چند سال بعد؛ یعنی در زمان پهلوی

محمد قهرمان محسوب می شد، به تدریج در شاعری سنتی، پله های ترقی را پیمود و از غزل سرایان مشهور خراسان و ایران شد. وی که سال ها به عنوان آموزگار در مدارس خدمت می کرد، پس از بازنشستگی، با مؤسسه پژوهشی عاشورا و اداره ارشاد مشهد به همکاری پرداخت. صاحبکار در روز ۱۸ اسفند ۸۱ درگذشت.

جواد غلامپور (۱۳۲۱-۱۳۸۱)

شاعری پس از روشندلی

جواد غلامپور متخلص به آویژن، خرداد ۱۳۲۱ در مشهد به دنیا آمد. به گفته اعضای هیئت امناء، وی تنها فردی است که بدون اجازه هیئت در این آرامگاه به خاک سپرده شده است. او در دوران جوانی، پهلوان کشتی با چوچه و آزاد خراسان بود اما دریافت بورسیه کارآموزی اروپا در رشته ساختمان و معماری از مدرسه پلی تکنیک، مسیر زندگی اش را تغییر داد. آویژن برنده جایزه اسکار فایبر انگلستان بود. معلولیت از ناحیه پا و از دست دادن دیدگان، بر زندگی اش تأثیر گذاشت. آویژن پس از روشن دلی در سال ۶۹، روی به نگارش داستان و شعر گذاشت. وی در ۲۶ آذر ۱۳۸۱ درگذشت.

عماد خراسانی (۱۳۰۰-۱۳۸۲)

پسر عاشق خراسانی

سید عمادالدین برقی، شاعری توانا بود و «معین» تخلص می کرد. عماد سال ۱۳۰۰ شمسی در مشهد به دنیا آمد. چون مادر عماد در سه سالگی و پدرش در شش سالگی وی در گذشته بودند، جد و جدّه مادری اش تربیت او را برعهده گرفتند. عماد در نونهالی دارای طبعی روان بود، چنان که شنوندگان اشعارش، از قدرت طبع وی دچار حیرت می شدند و از او امتحان شاعری می گرفتند. عماد قدی بلند و چهره ای جذاب داشت. پیدا بود که در جوانی، صاحب جمال بوده است. وی هنوز دوره دبیرستان را به پایان نبرده بود که گرفتار عشقی پر شور شد و از ادامه تحصیل بازماند. همسر وی هشت ماه بعد از وصلت، بدون اینکه فرزندی بیاورد، از دنیا رفت. ماجرای عشق او و غزل های پرشورش، مشهور بود. وی در سال ۱۳۳۱ از مشهد به تهران رفت. دیوان عماد برای اولین بار با مقدمه اخوان ثالث در سال ۱۳۴۱ منتشر شد. وی سرانجام بیست و هفتم بهمن ۱۳۸۲ در تهران درگذشت. عماد خراسانی با اینکه در گذشت، تهران درگذشت، پس از مرگ در جوار دوستان حلقه ادبش به خاک سپرده شد.

عشرت قهرمان (۱۳۰۵-۱۳۸۴)

اولین بانوی مدفون در آرامگاه شاعران خراسانی

احمد گلچین معانی (۱۲۹۵-۱۳۷۹)

شاعری تهرانی که نزدیک به نیمی از عمرش را به شعر خراسان خدمت کرد

احمد گلچین معانی اولین شاعر مدفون در زمینی است که به نام آرامگاه شاعران خراسان در طوس شناخته می شود. احمد روز هجدهم دی ۱۲۹۵ در خانواده ای متدین در تهران متولد شد. بعد از تحصیلات مقدماتی، در سال ۱۳۱۳ به استخدام وزارت دادگستری درآمد و در ثبت کل مشغول به خدمت شد. او که از پژوهشگران و شاعران پر تلاش بود، از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۳۸ بعد از ظهرها در کتابخانه ملی ملک به خدمت پرداخت. گلچین در سال ۱۳۴۳ برای تنظیم فهرست نسخ خطی کتابخانه آستان قدس به مشهد نقل مکان کرد. احمد گلچین به گواهی آثارش، شاعری ورزیده و دانشمندی سخت کوش و شعرشناس بود. او به دلیل اشعار کامل به دنیای کتاب، همواره از مآخذ دست اول و معتبر استفاده می کرد. استاد گلچین معانی در اردیبهشت ۱۳۷۹ به علت هجوم چند بیماری مزمن درگذشت و در آرامگاه شاعران خراسان در جوار آرامگاه فردوسی پهلو گرفت.

احمد کمالپور (۱۲۹۷-۱۳۷۹)

کمال شعر خراسان

احمد کمالپور اولین عضو از اعضای هیئت امنای آرامگاه شاعران خراسان و اولین فرد از حلقه شاعران خراسانی الاصل است که در آرامگاه شاعران خراسان، واقع در پیشخوان آرامگاه فردوسی به خاک سپرده شد. وی سال ۱۲۹۷ در مشهد به دنیا آمد و بعد از تحصیل در مدرسه نظامیه، به پیشه کفاشی پرداخت. کمالپور متخلص به «کمال» که در دوران کودکی به خواندن شاهنامه پرداخته بود، جذب نشست های ادبی شد و بعد از مدتی دکان کفشدوزی خود را در بازار تعطیل کرد و برای گذران زندگی به عنوان کارمند در شرکت قند ثابت خراسان به کار پرداخت. کمال از اعضای انجمن های ادبی خراسان بود. وی به لهجه غلیظ مشهدی حرف می زد و با همه مردم بسیار ساده و متواضع و صمیمی رفتار می کرد. دیوان اشعار احمد کمالپور به نام «گلشن کمال» در سال ۱۳۷۲ منتشر شد. کمال در شهریور ۱۳۷۹ به علت بیماری قلبی درگذشت.

ذبیح... صاحبکار (۱۳۱۴-۱۳۸۱)

غزل سرای مشهور خراسان

ذبیح... صاحبکار، متخلص به «سهی»، سال ۱۳۱۴ خورشیدی در روستای دولت آباد تربت حیدریه به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند و دروس متوسطه را در تربت پی گرفت. بعد از آن در حوزه علمیه به ادامه تحصیل پرداخت. عشق به شعر، او را به سمت شاعری سوق داد. وی به مشهد مهاجرت کرد و از اعضای ثابت انجمن های نگارنده، فرخ و محمد قهرمان شد. صاحبکار غالباً شالی سبک و سپید بر سر می بست. ریشی کوتاه و در جوانی، تن پوشی پالتومند داشت. سهی که از اولین دوستان استاد

اول صادر شده، تاریخ دهم میزان سال ۱۲۹۷ ذکر شده است. در آن زمان مذهبی ها مدارس جدید را قبول نداشتند و فرزندان شان را به مکتب خانه می فرستادند. در مکتب، آن قدر لغت فارسی و عربی و اشتقاق آن ها را می دانست که برخی هم در سانش به او «خیک لغت» می گفتند. او با امام موسی صدر و برادرش هم درس بود. در سال ۳۵ در رشته حقوق از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. او به روایتی، قدیمی ترین شاعر معاصر خراسانی بود که بعد از چندین سال بیماری در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ در تهران وفات یافت. شهناء از دوستان صمیمی عماد خراسانی و مهدی اخوان ثالث، دو شاعر نامدار مشهدی، بود.

زهر اوحدتی احمدزاده (۱۳۳۲-۱۳۹۵)

شاعری که خودش، گواهی دفن در آرامگاه شاعران را گرفت

زهر اوحدتی احمدزاده، شاعر کهنه کار و پیش کسوت خراسان، اصالتاً آذربایجانی اما متولد ۱۳۳۲ مشهد بود. او بعد از فوت پدر در یازده سالگی، شروع به شعر سرودن کرد و با انجمن های شعر مانوس شد تا غم فراق پدر را التیام بخشد. اشعار وی در مجلات و روزنامه های معتبر ادبی، چاپ شده و از وی کتابی نیز به نام «واژه در سکوت» به یادگار مانده است. وحدتی در دوران بیماری خود به اعضای هیئت امنای آرامگاه شاعران خراسان در طوس مراجعه کرد و گواهی دفن در این مکان را از استاد باقرزاده دریافت کرد.

علی باقرزاده (۱۳۰۸-۱۳۹۵)

بقای شعر خراسان

علی باقرزاده چهار جویی، متخلص به بقا، متولد ۱۱ تیرماه ۱۳۰۸ بود. عده ای وی را به اشتباه، زاده یزد می دانستند، اما وی یزدی الاصل و متولد مشهد بود. مرگ پدر و وظیفه سرپرستی از مادر و شش خواهر، او را از هجده سالگی از تحصیل جدا و روانه بازار کار کرد اما وی نگذاشت نداشتن تحصیلات آکادمیک، او را از علم و دانش دور کند. او نیکوکاری بزرگ بود و چهار مدرسه و یک خوابگاه ویژه متأهلان ساخت. علی باقرزاده آخرین فرد از حلقه شاعران انجمن های ادبی فرخ و قهرمان بود که در ۱۹ آذر ۱۳۹۵ دار فانی را وداع گفت و در آرامگاه شاعران خراسان، جایی که خود نیز یکی از پنج عضو هیئت امنای آن بود، آرام گرفت.

غلامرضا شکوهی (۱۳۲۸-۱۳۹۶)

آخرین شاعر مدفون در آرامستان طوس

غلامرضا شکوهی متولد سال ۱۳۲۸ در تربت جام و از پیش گامان غزل نو و غزل آیینی و مذهبی کشورمان بود. او در غزل و تجربه کردن فضاهای تازه به ویژه شعر آیینی، قریحه ای خوش و مثال زدنی دارد. از جمله کتاب های وی می توان به «صد پرده آواز خاموش»، «آهی بر باغ آیین»، «یک ساغر نگاه» و «سر مهر چشم غزل» اشاره کرد. شکوهی با بهره گرفتن از بدایع و کشف های زبانی به خوبی از غنای ادب فارسی بهره گرفته است و با تلفیقی هنرمندانه، با بیان و زبان فاخر خود، تصاویری زیبا خلق کرده است.